

روزنامه شرق

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران
صاحب امتیاز و مدیر مسئول: مهدی رحمانیان
نشانی: میدان آرژانتین، خیابان الوند، کوچه آرشیا، پلاک ۶
تلفن: ۹۲و۸۸۶۵۴۳۹۰ نمابر: ۸۸۸۸۰۷۱۹ تلفن آگهی‌ها: ۸۸۱۹۲۸۷۷
امور مشترکین: تلفن: ۳۲-۸۸۸۱۴۲۳۰
توزیع: شرکت پیام‌رسان پیروز تلفن: ۵-۶۶۲۷۲۱۳۰
چاپ: گلریز تلفن: ۶۶۷۹۵۴۴۲
www.sharghdaily.ir

تهران: اذان ظهر ۱۱:۵۲ اذان مغرب ۱۷:۵۶ اذان صبح فردا ۴:۴۲ طلوع آفتاب ۶:۰۶

روزنامه شرق

سه‌شنبه ۱۶ مهر ۱۳۹۲ • ۲ ذی‌الحجه ۱۴۳۴ • ۸ اکتبر ۲۰۱۳ • سال یازدهم • شماره ۱۸۵۲ • ۱۶صفحه

شبی با «سهراب سپهری» در شب‌های ایرانشهر



ایسنا: همزمان با هشتاد و پنجمین سالگرد ولادت «سهراب سپهری»، برنامه «شب‌های ایرانشـــهر» مهرماه به این شاعر و نقاش معاصر می‌پردازد. چهارمین شب از سلسله برنامه‌های «شب‌های ایرانشـــهر» به همت واحد پژوهشی و آموزشی خانه هنرمندان ایران و با همکاری انجمن شاعران ایران و انجمن هنرمندان نقاش به «سهراب سپهری» اختصاص دارد. علاقه‌مندان برای حضور در این مراسم می‌توانند پنجشنبه، ۱۸ مهر از ساعت ۱۸ به تالار استاد شهناز خانه هنرمندان ایران مراجعه کنند.

یادمان

۵۲ سال پس از «حاج محمدحسن شمشیری»

یاری از یاران مصدق



حسین شاه‌حسینی

● مرحـوم حاج‌محمدحســن شمشــیری از صادق‌ترین و مردمدارترین چهره‌هایی است که می‌شناسم و تلاش ایشان در حمایت از دکتر مصدق و فعالیت‌های آزادیخواهانه مردم ایران در طـول سال‌های قبل از انقلاب بر هیچ‌کس پوشیده نیست. ایشـان از نزدیکان مشـداسماعیل کریم‌آبادی بودند که جزو بزرگان و رییس صنف قهوه‌خانه‌ها محسوب می‌شدند. در وصف مرحـوم کریم‌آبادی هرچه سخن گفته شود باز هم کم است، چراکه ایشـان از پیروان خط آیت‌الله مـدرس بودند و همواره می‌گفتنـد: «آقا سیدحسن را برای همه چیزمان قبول داریم.» چنین استاد و راهنمایی باعث شد که مرحوم شمشیری نیز بعد از کودتای شهریور ۲۰ در میان اصناف رشد پیدا کند و درنهایت با حمایت و کمک ایشـان، کاسب جزیی شوند در یک دهانه مغـازه در بازار که همین مغازه کوچک، سنگ بنای «رستوران شمشـیری» شد که اکنون در سبزه‌میدان قـرار دارد. مرحوم شمشیری آن زمان کارش را با فروش چای میان کسبه سبزه میـدان و بازار کفش‌فروش‌ها شـروع کرد و به خاطر صداقتی کـه داشت، آوازه‌اش در تمام بازار بزرگ تهران پیچید تا جایی که کم‌کم و همزمان با گسترش کسبش در این مغازه، اعتقاد و اعتماد مردم به ایشـان افزایش پیدا کـرد. آن روزها مرحوم شمشـیری به خاطر رعایت قیود مذهبی و مرام مشتی‌گری توانسته بود اعتماد مردم را به سمت خود جلب کند و همزمان با فعالیت‌های مرحوم کریم‌آبادی، ایشـان نیز وارد صحنه‌های سیاسی کشـور شدند و آشنایی ایشـان با مرحـوم مصدق از همین‌جا آغاز شد. مصدق کـه از طریق مرحوم کریم‌آبادی و دکتر متین (داماد آقای مصدق) با حاج محمدحسن شمشیری آشنا شده بود کم‌کم به ایشان اعتماد کرد و تلاش‌های ایشان در مخالفت با انتخابات دوره پانزدهم و حمایت ایشان از انتخابات دوره شانزدهم باعـث شد این اعتماد کاملا بین این دو چهره سیاسـی و بازاری به وجود آید. حمایت مرحوم شمشـیری از مصدق نیز باعث شـد که مصدق در میان بازاریان نیز جایگاه خـود را پیدا کند چرا کـه آقای شمشـیری در فعالیت‌های بـازاری خود همواره بر این اصل تفکیـک میان «کار کسب و کار سیاست» تاکید داشت و به مرحوم مصدق می‌گفت «البته این کار من (یعنی کسبشان) به فعالیت‌های شما نیز در عرصه سیاست کمک می‌کند.» مردم چهره‌ای از آقای شمشـیری به خاطر دارند که به دلیل اعتبار فـراوان در بازار و تاکیدشان بر مساله خیرات همیشه جزو شاخصان بازار محسوب می‌شدند و این ارتباط هم سبب شده بود که رستوران ایشـان هم رونق داشته باشد و هم حمایت توده‌های مردم را از مصدق افزایش می‌داد. نخستین جلوه این همکـاری دوجانبه مصادف بود با موضوع قرضه ملی. در آن زمان مرحوم مصدق برای این کار از مردم کمک خواست و با اینکه از خانواده شاه کسی در حمایت از این طرح کمکی انجام نداد، حاج‌حسن شمشیری که فردی بی‌سواد بود پا به میـدان گذاشت و از مصدق حمایت کرد. او همواره می‌گفت که من سواد و علم ندارم اما شاخصینم؛ دکتر صدیقـی و مصدق هستند که در اخلاق و سیاست از ایشـان تبعیت می‌کنـم. چنین فعالیت‌های خیرخواهانـه‌ای بود که درنهایـت باعث شد مرگ یـک چلوکبابی در تهران تیتر یک روزنامه‌های کل کشور در خفقان آن روزگار باشد. در بسیاری از شهرهای ایران برای مرحوم شمشیری مجلس ختم برگزار شـد و دکتر صدیقی که یکی از بزرگ‌ترین استادان دانشـگاه در آن زمان بود، در مجلس بزرگداشت ایشان یک ساعت تمام سخنرانی کرد و در وصف بزرگی‌های این مرد گفت.

رویداد

اهدای جایزه پژوهشی «ایرج افشار»

● **شرق:** زنده‌یاد ایرج افشار کتابخانه و اسناد خود را به مرکز دایره‌المعارف بزرگ اسلامی سپرد و آن را «گنجینه پژوهشی ایرج افشـار» نامگذاری کرد. اینک ۱۴سـال پس از تاسیس گنجینه پژوهشی ایرج افشـار در سال ۱۳۹۱ و دو سال پس از فوت آن مرحوم هیات امنای گنجینه با نظر به علایق ایرج افشار نسبت به گسترش و تداوم «کتابداری» در ایران و اینکه خود او هم از کتابداری در کتابخانه دانشـکده حقوق و علوم سیاسـی شروع به کـار کرد، جایزه‌ای در حـوزه تحقیقات و مطالعات کتابداری معین کرد.به همین مناسبت در عصر امروز (زادروز ایرج افشـار) مراسمی با حضور استادان، دانشجویان و کتابداران کتابخانه‌های کشور در سالن همایش‌های بین‌المللی رایزن واقـع در دایره‌المعارف اسلامـی (کاشانک) در ساعت پنج‌بعدازظهر برگزار می‌شود و هیات داوران، منتخب خود را اعلام خواهد کرد و اولین جایزه اهدا می‌شود.

تولدی دیگر

برای ۸۵ سالگی «سهراب سپهری»

چه خوب یادم هست



پرویز کلانتری

چهار ویژگی مهم از شخصیت «سهراب سپهری» را به‌روشنی می‌توان از این شعر دریافت:

سفر مرا به زمین‌های استوایی برد
و زیر سایه آن «بانیان» سبز تنومند
چه خوب یادم هست
عیادتی که به ییلاق ذهن وارد شد:
وسیع باش و تنها و سربزیر و سخت

ویژگی اول، وسعت شخصیت اوست؛ زیرا سپهری از طرفی با جلوه‌های مدرن فرهنگ و هنر غرب آشنا بود و از طرف دیگر به شعر و ادب فارسی و حکمت ایرانی اشراف داشت و از سوی دیگر فرهنگ و عرفان آسیا را می‌شناخت، همچنـان که در شعرش آمده است: من «ودا» می‌خوانم...

ویژگی دوم در شخصیت او تنهایی است. تنهایی سپهری از مقوله اندوهبار یا شکل دیگر آن، سوزناک نیست. این تنهایی همچون تنهایی فرزانگان تاریخ، باشکوه و بزرگ اسـت، همچنان که خودش گفته اسـت: «بیا تـا برایت بگویم چه انـدازه تنهایی من بزرگ است.» او نمی‌خواهد که تنهایی‌اش را با حضور دیگـران از دست بدهد. همچنان که گفته است: به سراغ من اگر می‌آیید، نرم و آهسته بیایید، مبادا که ترک بردارد چینی نازک تنهایی من.»

سومیـن ویژگی شخصیت او فروتنـی است. او با وفاداری بـه این ارزش سنتی ایرانی، مثل همین درخت تناور بانیان، سربه‌زیر و فروتن بوده است.

برای مثال در شب اول نمایشـگاهش در گالری «سیحون» قرار بود «فرح پهلوی» ملکه ایران به دیدار او بیاید. موضوع از اینجا آغاز شد که گویا فرح پهلوی تحت تاثیر شعرهای سپهری، بسیار مشتاق دیدار این شاعر نقاش بوده است. «منیر سیحون» صاحب گالری که با خلق‌وخوی او آشنا بود، به سهراب هشدار داده بود که «خانم فقط برای دیدن تو به این نمایشـگاه میاد» حتما باید برای افتتاح نمایشگاه خودت اینجا باشی! ولی سهراب در نمایشـگاه حاضر نشد! که به گمان من به‌دلیل مخالفت سیاسی با شخص او نبود، بلکه فقط به این دلیل که چنین کاریکاتور مبتذلی از نمایش خودش در پای تابلویی که یک شخصیت برجسته قرار است از آن دیدار کند را قبول نداشت. لازم به توضیح است که این رفتار را به پای شهامت گستاخانه هم نمی‌شـود گذاشت؛ زیرا این هنرمند اهل کاشان اساسا پرخاشگر نبود.

چهارمین ویژگی شخصیت سپهری سخت‌بودن او در برابر ابتذال بود. ابتذال، در همه زمینه‌ها، مثل بازاری‌شدن هنر و... ازجمله شخصیت مبتذل و دیگر موارد، مثل رفتار و کردار و اندیشه مبتذل. در نتیجه سهراب سپهری به اصولی که او را به‌عنوان هنرمند صاحب‌اندیشه معرفی می‌کرد سخت وفادار ماند.

سهراب سپهری هنرمندی نوگراست که حرفش از جنـس زمان است. همچنان کـه خودش گفته است: «من که از بازترین پنجره با مردم این ناحیه صحبت کردم، حرفی از جنس زمان نشنیدم!»

امـا بـرای درک درسـت نقاشی‌هایش آشنایی با جهان‌بینی او ضروری است و این مهم، فقط به مدد کلام و شعر هنرمند میسر است.

برای مثال در جایی گفته است: « من به یک آیینه، یک بستگی پاک، قناعت دارم.»

لـذا قناعـت یکـی از ارزش‌هـای پذیرفته اوست کـه همـواره در زندگی و هنرش نسبت به آن وفادار بوده است. سادگی و قناعت و پرهیـز از نقـش و نگار غیرضروری برای بزک‌کردن نقاشی، سبب گرایش به شیوه مینی‌مالیـزم در آثـارش شـده است. در همین شیوه نقاشی‌های مینی‌مـال وابستگـی پـاک و بی‌آلایش او بـه عناصر طبیعت، مثل سنگ و درخت، گل و گیاه نمایان اسـت. در شعر سپهری اشتیـاق به نقاشـی از طبیعت نمایان است: «یاد من باشد فردا لب مسلخ، طرحی از بزها بردارم، طرحی از جاروها سایه‌هاشان در آب.» نکته سپهری اشاره به طرحـی است از بز، پیش از آنکه در مسلخ قربانی شود.

در جایی دیگر گفته اسـت من «ودا» می‌خوانم، گاهی نیز طرح می‌ریزم سنگی مرغی ابری.

به‌طورکلـی صاحب‌نظران، شعر سپهری را شعر تصویر و نقاشی می‌شناسند.

اما او به دیدن معمولی و تکراری طبیعت و جهان قانع نیست. خودش دراین‌باره گفته است: «چشم‌ها را باید شست جور دیگر باید دید.»

و یا در جایی گفته است: «بیا با هم از حالت سنگ چیزی بفهمیم
بیا زودتر چیزها را ببینیم.»

سپهری در نوگرایی، سبک ویژه خودش را دارد که در قلمرو هنر «فیگراتیو آبستره» تعریف می‌شود. او با مختصر اشاره‌هایی به واقعیت طبیعت و عناصر موجـود در آن، کل نقـاش را در ساختاری انتزاعی سامان می‌دهد که وارد عرصه زیبایی‌شناسی مدرن می‌شود.

در دوران دانشـکده، او که به زبان فرانسه تسلط داشت، اغلب در کتابخانه دانشکده مطالب پیچیده کتاب‌ها را به زبـان ساده برای ما ترجمه می‌کرد. و ازآنجاکه به شعر و حکمت فارسی اشراف داشت برای فهم ما در ترجمه از شعر فارسی مدد می‌گرفت؛ برای مثال در ترجمه بحثی درباره نقاشی انتزاعی که نه با چشـم ظاهربین، بلکه با چشم دل نقاشی می‌شود ترجمه کرد: بسازم خنجری نیشش زپولاد / زنم بر دیده تا دل گردد آزاد.

اما خود سپهری در نقاشی‌هایش با یک چشـم، دنیای ظاهر را دیده و با چشـم دیگرش که چشـم دل باشد جهان شاعرانه‌اش را به‌گونه‌ای انتزاعی نقش کرده است. در مجموعه گل‌های شقایق با مختصر اشاره قلم‌مـوی نرم، یکی، دو تا گـل را در فضایی خیال‌انگیز و انتزاعی نقش کـرده است. به مصداق شعر تا شقایق هست... در مجموعه درخت‌ها، برای نمایش زبری پوست درخت با نواختن تکه پارچه‌های آغشته به نیم رنگ‌ها بر سطح بوم لکه‌هایی را از بافت زبـر پوست درخت نقش کرده است که سبک ویژه خود اوسـت. در تجسم ردیف درخت‌ها متمایل به چپ و راست شاید در امتداد نهر آبی که سایه‌هاشان یکدیگر را قطع می‌کنند، خاطره چشم‌اندازی را که بـه فراوانی در همه‌جای ایران دیـده می‌شود به ما نشان می‌دهد.

اما در اینجا کار اصلی در راستای زیبایی‌شناسی مـدرن، پرداختن به فضاهای پروخالی در ساختار و ترکیب کلی اثر است. سهراب سپهری بنابه پیشنهاد «منوچهـر شیبانی» وارد دانشـکده هنرهای زیبای تهران شد. فضای دانشـکده در آن روزها مدلی بود از «بـوزار» پاریس. در آتلیه نقاشـی، یک گرامافون داشتیـم کـه ضمن کـار، به موسیقـی کلاسیک گوش می‌دادیم. از همه مهم‌تر کتابخانه دانشـکده سرشـار از کتاب‌های نقاشی و معماری و تاریخ هنر بود و هر ماه نشـریات مهم معماری و نقاشی مثل «ART AUJURDUI» و غیـره را داشتیم. «صادق هدایت» کتابدار دانشکده بود که خودش همواره سخت مشغول مطالعه کتاب‌های «پوپ» بود و سهراب سپهری مشتری پروپاقرص نشریه «عصر جدید» ژان‌پل سارتر بود.



وقتی خبر خودکشی هدایت از پاریـس بـه تهـران رسید، دانشـکده هنرهـای زیبا به همیـن مناسبـت مراسمی را برگزار کـرد، شامل چند سخنرانـی. برگزارکنندگان این مراسم، سهراب سپهری و ناصر عصار و مهری رخشا بودنـد. در این مراسم روسا و استـادان دانشـکده‌ها شرکت کردند؛ ولی در هنگامه سخنرانی ناصـر عصـار، یکی از دانشـجویان معتـرض، جلسـه را به هـم زد. این شخص «اسماعیل شاهـرودی» شاعر جـوان آن روز بود که وارد صحنه شد و میکروفن را از دست ناصر عصار گرفت و فریاد کشید: صادق هدایت از همین شما رجاله‌ها متنفر بود.

الـو شـرق
۸۸۶۴۰۲۶۰

پیـام کـوتاه
۳۰۰۰۴۶۹۹

sharghline@sharghdaily.ir

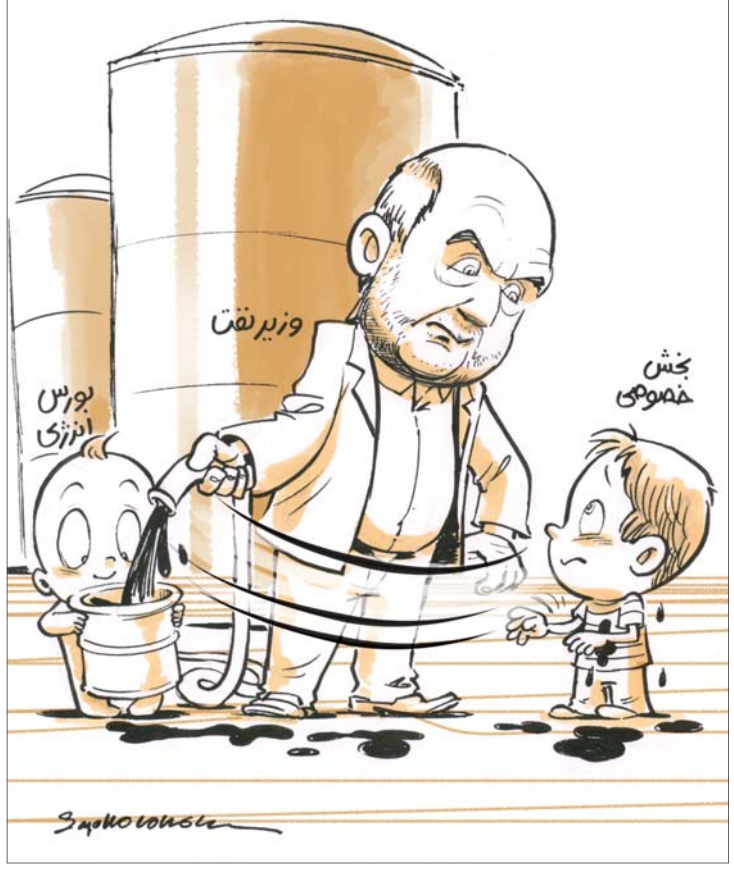
آموزشگاه آزاد سینمایی موج نو
با مجوز رسمی از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ۱۵۳/۶۱۳۰
مدیر مسئول و مدیر آموزش: هوشمند ورعی
سایت موج نو را دیده اید؟
www.mojenofilmschool.com



سلمان طاهری
salmantaheri@gmail.com

کارتون خواب





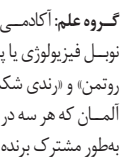
آکادمی

برندگان «نوبل پزشکی» مشخص شدند

گـروه علم: آکادمـی نوبل سوئد یکشـنبه ۱۵ مهر برندگان نوبـل فیزیولوژی یا پزشکی سال ۲۰۱۳ را اعلام کرد. «جیمز روتمن» و «رندی شکمـن» از آمریکا و «توماس سودهوف» از آلمـان که هر سه در دانشـگاه‌های آمریکا تحقیق می‌کنند، به‌طور مشترک برنده جایزه امسال شدند. این آکادمی جایزه امسال را به سبب «کشـف سیستم تنظیم خودکار رفت‌وآمد وزیکول‌ها به داخل و خارج سلول» به این سه دانشـمند اهدا کـرده است. برندگان نوبل پزشکی امسـال از این راز که یک سلـول چگونه سیستم انتقال مـواد در درون خود را کنترل و ساماندهـی می‌کند، پرده برداشته‌انـد. هر سلول، در حکم کارخانـه‌ای است که مرتب مـوادی را تولید می‌کند و آنها را به بیرون سلول می‌فرستد. به‌عنوان مثال، زمانی که انسولین ساختـه و به درون خـون فرستاده می‌شـود، سیگنال‌های شیمیایی (که نوروترانسمیتر نام دارند)، از یک سلول عصبی به سلول دیگر فرستاده می‌شوند. این مولکول‌ها در بسته‌های کوچکـی (که وزیکول نـام دارند)، به اطـراف سلول منتقل می‌شوند. برندگان جایزه نوبل فیزیولوژی یا پزشکی امسال، به اصول مولکولی‌ای که بر تحویل این محموله در زمان و مکان درست آن در سلول نظارت دارد، پی برده‌اند. «رندی شکمن» ۶۵ساله، زیست‌شناس سلولی و مولکولی دانشـگاه کالیفرنیا در برکلی است. «شکمن» مجموعه‌ای از ژن‌ها را کشف کرده است که سیستم انتقال در سلول‌ها را تنظیم می‌کند. «جیمز روتمـن» ۶۳ساله، استاد زیست‌پزشکـی و همچنین رییس دپارتمـان زیست‌شناسی سلولی دانشـگاه ییل است. وی به وجود پروتئین‌های پیچیده‌ای پی برده است که به وزیکول‌ها امکان می‌دهد با غشـای سلول‌های هدفشان ترکیب شده و محموله خود را بـه درون آنها بفرستند. «توماس سودهوف» که ۵۸سال دارد و اصلیتـش آلمانی است، استاد فیزیولوژی سلولی و مولکولی دانشـگاه استنفورد اسـت. «سودهوف» به دلیل تحقیقاتش در انتقال سیناپسی مشهور است. کشف این سه دانشمند، تاثیر بسیار مهمی در شناخت مکانیسم انتقال مواد به داخل و خارج سلول داشته است و می‌تواند به درمان بسیاری از بیماری‌ها از جملـه بیماری‌های دستگاه عصبی، بیماری‌های دستگاه ایمنی و دیابت کمک کند.

کاپوچینو

گنج خفته‌ای که پایمال می‌شود



مزدک علی‌نظری

فریـدون فروغی آنقدر بزرگ و نیک‌نام است که گفتن و نوشتـن از او مایه فخر ماسـت و ابایی ندارم که بابت این دوباره‌گویی، ملامت شوم. خصوصا اگر گوش شنوایی باشد. به نظرم بایـد گزارش و عکس مـزار تخریب‌شده فریدون فروغی که روز شنبه در «شرق» منتشر شد را جدی گرفت و جـدا کاری کرد. این سنگ‌شکستن، اولین‌بار که خبرش در مطبوعات منتشـر شد، با تخریب و شکستن سنگ‌قبر «احمد شاملو» مقایسه شد. بی‌شک انگیزه تخریب‌کنندگان این دو سنگ با هم فرق دارند و شاملو به دلیل قرارگرفتن در مرکز گورسـتان امامزاده طاهر - جایـی که به آرامگاه گروهی از روشنفکران و دگراندیشـان بدل شده بود- مورد خشـم گروه‌های مهاجم قرار گرفته. ولی قبر فروغی جایی در سینه‌کش کوهـی دورافتاده، کنـار روستایی است که مردمانش از رفت‌وآمد هواداران او عصبانی هستند. این اصلا چیز عجیبی نیست. حتی در «پرلاشز» پاریس هم که باشد، ممکـن است کسانی از رفتارهای نامعمول زیارت‌کنندگان قبرستان خشمگین شوند؛ چنان‌که مدت‌هاست هواداران «جیم موریسن» بـه شلوغ‌کاری و آلوده‌کـردن محیط آن گورستان معروف، متهم شده‌اند و بازماندگان امثال شوپن و مارسـل پروست از طرفـداران ایـن راک‌استار جنجالی شکایت دارنـد. اما به‌هرحال دوستـداران هنرمندان مرده هـم حق دارند و باید آزاد باشنـد تا مراسم سالگرد تولد یا مرگ آنها را برگزار کنند و حتی هر وقت دلشان خواست سر مزارشان بروند. نمونه دیگر، وضعیت «گورستان ظهیرالدوله» اسـت. مدت‌هاست که هر وقت هوای رفتن سر قبر فروغ و بهار و رهی معیری می‌کنم، با یادآوری مصایب ورود به آنجا پایم سست می‌شود. قدیمی‌ها خانواده‌ای متولی ظهیرالدوله بودند که اگر آن روز حالشان خوش بود، می‌شد با یکی- دو اسکناس سبیل یکی‌شان را چرب کرد و اجازه ورود گرفت. خب، اینکه نشد وضع یک مکان فرهنگی و تاریخی. سازمان میراث فرهنگی سر مالکیت این مکان، با اداره اوقاف مشکل داشت. بعید می‌دانم هنوز هم این مشـکل حل شده باشد. بارها مردم در سرما و برف چله زمستان، برای مراسم سالگرد «فروغ فرخزاد» به ظهیرالدوله رفته‌اند و آخرش مراسم با دعوا و جنجال تمام شده. یعنی مشـکل این مکان فرهنگی که توی شهر، در همین پایتخت قرار دارد حل‌نشـده مانده و لابد توقـع زیادی است کـه از مسـوولان خواهش کنیم فکـری هم به حال مزار فریدون فروغـی کنند که آن دور دورهاست! واقعیت اینکه اگر مدیران نهادهای فرهنگی برای رفع این‌دست مشـکلات قدمی بردارند، نه لطفی خارج از عرف، بلکه فقط‌وفقط عمل به وظیفه است. در عوض، چنین اقداماتی است که یک مدیر سـاده را به چهره‌ای مقبول و محبوب اهالی هنر و طرفداران آنها بدل می‌کند.

از هر نظر بی‌ضرر

آوردن نفت، سر شکمی که سفره شده؟



پوریا عالمی

● **نفت بر سر سفره‌های مردم می‌آید**

این حرف میمون را معاون وزیر امور اقتصادی و دارایی از قول وزیر نفت، بیژن زنگنه، گفته است.

آن‌دفعه که خود رییس‌جمهور مملکت گفت می‌خواهد نفت را بیاورد سر سفره، یک سفره باز شد و یکسری نانشان را زدند در نفت و خوردند. ما چی؟ ما یک مدت سرمان به وام ازدواج گرم شد، بعد به مسکن مهر. بعدش چی؟ هیچی دیگـر. به امید مسکن مهر نان‌خور اضافه کرده بودیم. بعد چی شد؟ هیچی، مجبور شدیم سفره را کلهم جمع کنیم. بعـد چی شد؟ هیچی، سفره را که دادیم پای قسط بانک، جاش روزنامه پهن کردیم. بعد چی شد؟ هیچی، روزنامه را توقیف موقت کردند، ما موقتا سفره روزنامه را هم برچیدیم. بعد چی‌کار کردیم؟ هیچی، چهارزانو نشستیم هیات دولت را یکی‌یکی مدنظر قرار دادیم و اسم تک‌تکشان را به زبان آوردیم و هی ازشان تشکر کردیم. هی تشکر کردیم.

علم الاعداد اسم وزرای نفت

آن وقتـی که وزیر نفـت «وزیری‌هامانه» بـود اوضاع اینطوری بود که: ببخشـید شما که وزیری، کی قرار است نفت را بیاوری سر سفره مردم؟

وزیری‌هامانه: با کی هستی؟ ها؟ ما؟ نِه.

بعد که وزیر نفـت شد «نوذری»، همـان سیاستی در آوردن نفت سر سفره مردم اعمال شد، که مرحوم نوذری در صبح جمعه با شما داشت. یعنی وزارت نفت خنده‌دار شده بود و ملت کارشان از گریه گذشته بود، هی می‌خندیدند.

بعد که «میرکاظمی» شد وزیر نفت هم خبری نشـد. بعـد که «قاسمـی» وزیر شـد هم خبری نشـد. فقط هر چندوقت‌یک‌بار توی رسانه‌ها می‌خواندیم نفت گران شد، منتها مردم بپایند نفتی نشوند.

همین‌طوری پیش می‌رفت وزیر بعدی نفت ممکن بود میرزاقاسمی باشد که چون چنین آدمی در دولت نبود تا دل مردم شاد شود، یکدفعه یک کشـتی‌گیر را گذاشتند وزیر اقتصاد، تا قضیه را فیتیله‌پیچ و کار را یکسره کند که آنطور که دیدیم، خود استاد ضربه‌فنی شد.

آوردن نفت، سر شکمی که سفره شده

حالا هم که زنگنه شده وزیر نفت، ما ماندیم لای منگنه. می‌خواستیم سر شوخی را باهاش باز نکنیم، ولی همین اول کار برگشته می‌گوید نفت را می‌آورد سر سفره. آقا چی‌چی نفت را بیاوری سر سفره؟ به آمار نگاه کن، کاملا مشخص است که شکم ما سفره شده. شما بی‌زحمت نفت را نیاور سر سفره، همین پول نفت را به‌جای برنج هندی و جنس چینی به‌صورت ارز وارد کشور کنی، ما راضی هستیم.

مخبر الدوله

افتتاح «فروشگاه اینترنتی شهرکتاب»

● **شـرق:** همزمان با روز بزرگداشت حافظ و برگزاری همایش «حافظ‌ودوستی» و با حضور بزرگان ادبیات، فلسفه و هنر، «فروشگاه اینترنتی شهرکتاب» در مرکز فرهنگی شهرکتاب افتتاح می‌گردد. فروشگاه اینترنتی شهر کتاب (Shop.Bookcity.org) با همکاری شرکت فناوری اطلاعات پاسارگاد آریان (فناپ) و با پشـتوانه موسسه شهرکتاب فعالیت خود را از ابتدای سال ۱۳۹۲ به‌صورت آزمایشـی آغاز کرده است و هم‌اکنـون همزمان با روز حافظ و همایش «حافظ و دوستی» با حضور آقای دکتر مجید قاسمی، مدیرعامل محترم بانک پاسارگاد و آقای مهندس فیروزان مدیرعامل محترم موسسه شهرکتاب و همچنین میهمانان و سخنرانان گرانقدر همایش «حافظ و دوستی» افتتاح خواهد شد. فروشگاه اینترنتی شهرکتاب (Shop.Bookcity.org) هم‌اکنون با دارابودن بیش از ۷۰هزار کتاب و کالاهای فرهنگی و هنری، و با رویکرد تکریم مشتریان و تسهیل دسترسی، آماده ارایه خدمات به تمام شهرهای ایـران و همچنین سراسر دنیا ست. برخـی از ویژگی‌های این فروشگـاه عبارتند از: امکان جست‌وجوی پیشـرفته، درگاه پرداخت امن پاسارگاد، ارایه خدمات تخفیف و بن‌کارت به سازمان و شرکت‌ها و همچنین امکان خرید از طریق ارسال پیامک به شماره ۳۰۰۰۸۹۵۱۸۹۵۱ و یـا خرید تلفنی از طریق شماره ۸۸۷۴۲۱۱۸-۰۲. ایـن مراسم روز سه‌شنبه ۱۶مهرماه ساعت ۱۶ در مرکز فرهنگی شهرکتاب برگزار می‌شود.

۲ نشست در «رخداد تازه»

● **شـرق:** موسسـه مطالعاتی «رخـداد تازه» نشسـت «دشواری‌هـای ترجمه نیچـه» را با حضـور دکتر سعید فیروزآبادی برگـزار خواهد کرد. زمان برگزاری نشسـت پنجشنبه، ۱۸مهر، ساعت ۱۵ الی ۱۷ خواهد بود. همچنین در ادامه برگزاری سلسله‌نشسـت‌های «پرسش از جامعه؛ تاملاتی دربـاره جامعه ایران»، نشسـت «الگوی تحولات سیاسی در ایـران معاصر و چشـم‌انداز اعتدالگرایی» را با حضـور دکتر ابوالفضل دلاوری برگـزار خواهد کرد. زمان برگزاری این نشسـت هم امروز سه‌شنبه، ۱۶مهر، ساعت ۱۸ الی ۲۰ خواهد بود.